تجزیه و تحلیل گفتمان علم گرایانه
مهدی بازرگان

دکتر حسین هریسی
حسین روحانی

چکیده
مقاله حاضر در پی آن است تا به تغییرات موشکافانه، آرا و اندیشه‌های منظومه فکری مهدی بازرگان را مورد واقعی و بررسی قرار دهد. دستگاه فکری ایشان را می‌توان در دو مرحله فکری مورد بررسی و شناسایی قرار داد. بازرگان در مرحله اول تفکر خویش، تنفس حداکثری از دین را مورد توجه قرار داده و این نظر را به گرایش می‌نشاند که آموزه‌های اسلامی ناظر به تمامی شنوای و جنبه‌های زندگی است. از منظر این نواده‌نشین دینی، هم ساحت نظر و هم ساخت عمل و هم چگونگی سیاست‌ورزی و مدیریت کلان و حتی علم تجربی از دین قابل استخراج است. بازرگان در این دوره،

@ عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان
@ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

tاریخ دریافت: 1390/11/2
تاریخ پذیرش: 1391/3/16

پژوهش‌های علوم سیاسی، سال هفتم، شماره سوم، تابستان 1391، صص 246-229.
گراشی علمی - اجتماعی یا به تعبیری برون گواب زیستی به دین دارد و
وجهه همت خویش را در همّشینی و آشتی دادن علم و دین قرار می‌دهد.
این طرز ثقافی حداکثری بازگری از نقش دین در جامعه و دندان، در دو آخرين
سخاری وی با عنوان «خدا و آخره، هدف به‌نت انبیا» دچار نوعی
دگردیسی باراداهی می‌شود و همچون متفکران سکولاریسمی، تفکر دین
برای دنبای دنیای زیان بار می‌خواهد و نقش دین را به ساخت خصوصی افراد تقلیل
می‌دهد. رویکرد روش‌شناسی مقاله در این بررسی تحلیل محتوای کیفی
است که بر اساس آن، آثار بازگری در این دو دوره فکری به منزله باتبایی از
کفت‌بان غالب در هر عصر تحلیل می‌شود. بافت‌های این مقاله نشان می‌دهد
نحوه نواندیشی دینی با رویکرد علم گروه‌بندی به بخش‌گراوی مهدی بازگرایی به
دلیل صبفه برون دینی و تأکید مفرط بر پیش‌گیری از آسیب‌های
پوزیتیوستی و کارکردهای، مقامات اصلی درون دینی را به مجاز می‌برد
و در نهایت در وادی سکولاریسم و ثقافی جداگانه از دین درمی‌آید.

واژگان کلیدی: پوزیتیوسم، دین، نواندیش دینی.
مقدمه

بدون شک یکی از گفتگوها یا تأثیرگذاران در بهبود و سپهر فکری ایران معاصر، به‌ویژه در حوزه دین و روحانی و رابطه علم و دین، گفتگو علم‌گرایانه به سر‌zs در مه‌دی بزرگان است. مه‌دی بزرگان، قرآن‌یزیه، نوادگانش دینی، مختصین ترمودینامیک و سیاست ورزشی بوده که آشنا با نسیم جامعی از شرایط ایران و جهان داشت و بر آن بود تا با انطباق علم و دین و بیان این امر که هر آنچه در علم ترویج و تبلیغ می‌شود مصداق عینی و انضمامی آن را نیز می‌توان در دین بر شمرد، نوعی هم‌ساختی میان علم و دین برقرار کند و از این رهگذر شرایط را برای برقراری یک جامعه دینی مدار با چه گری علوم محور و دموکرات میاب فراموش کند. بزرگان در دوره‌ای فلسفیان خویش در پی آن بود تا از آموزه‌های دینی برای تدوین برنامه‌های دولت اسلامی مدد گیرند و پیوندی جدایشی میان دین و دولت برقرار کند. گرچه بزرگان در این دوره از تفکر خویش، اعتقاد و ثقیق و صمیمی به ضرورت دخالت دین در حوزه‌های مختلف جامعه داشت اما تعبیر و تفسیر و بود، کامل‌انگاری از روحانیون و مایلی نواندیشان دینی بود. اما قابل به سیاست دینی یا به تعبیری، دین مدلی بود که حوزه علمیه و عرصه‌های مختلف را در مورد، زیرا معتقد بود از آن‌جایی برخی مردم ایران مسلمان هستند، دین باشد در صحبت اجتماع حضور نپرورش و قدرت‌مندی داشته باشد. بزرگان با اهمیت دادن به بحث کار و تولید، همچنین پوست‌بناه به اروپا شانه علامت سفید مسلمان را نمایش و اهتمام‌ورزی در امر سازندگی و تولید می‌دانند. وی در دوره اول منظومه فکری خویش، نه تنها مغایرتی بین دین با عقل، پیشرفت ترقی و تکامل انسانی در بعد فردی و اجتماعی نمی‌بیند بلکه از منظر افکار اخلاقی و دستورات عمیل دین که اضباط‌بخش
زندگی است، انسان‌هایی که واقعیت آنها برای ساختن انسان‌هایی بهتر است که
طباعاً و قهرآی جامعه‌ای بهتر هم‌خواهد داشت. بازگران هیچ‌یک نشان دهنده تغییرات
دموکراتیک و دین نمی‌بینند و سعی در آشیان دادن مبانی علمی و عقلی تمدن غرب
با مفاهیم دینی دارد.
این اندیشه‌دان دیگر معتقد به طرقبی و عدم دخالت حکومت در عقاید مبهم
بود و دموکراتیک را تقدیس می‌فرماید. اما این تقدیس در برخی موارد، جای خود را به
تقبل و مذمت تمدن غرب می‌دهد. اگر اهمت و تلاش خود را ببرد این امر استوار
می‌سازد که با کنی ریشه گذشته نکات مثبت فرهنگ غرب از جمله فرهنگ کار و
تلاش را پایدار کند و با توجه به شرایط بومی کشور خودی، فرهنگی جدیدی را با
عنوان نواندیشی دیگر با روزگار در علوم و عصر صورت بندی کند. این نواندیش دینی
دموکراتیک را به معنای نفت استبداد می‌داند؛ یا این حال ارائه یک
تنوری دموکراتیک به معنی رایج سیاسی نیست. بازگران استدلای های منطقی و
روش‌های فلسفی را در تحلیل مسائل مهم جامعه، خستگی کنند، به جهت و تصمیم
مروعی کرده و از سوی دیگر، روش مشاهده، تجربه و توجه به واقعیت‌ها را روش
قرآنی می‌داند که ارتباط با قرون معاصر مبانی پی برده‌اند. از نظر بازگران قرآن از
این، واریز و درخت و حیوان و آسمن و دریا و کوه و انسان و سایر آثار طبیعی
شاهد اورده و مکرر به توجه و سیر در طبیعت امر کرده است.
بازگران علاقه‌مند دیدی به روش شناسی اثاث از گرایش نشان می‌دهد و اگر از
منظور انتقادی به منظومه فکری و منظور بی‌فکری، یا توجه به این نوپشتی به
منابع و ثقیل دینی از جمله کتاب و سنن عملکرد و اجرا با راه ای که در دوره اول
تفکر خوش‌سی را در فرهنگ ساختن دین داشت به جایی می‌کشانند که در دوره
دوم تفکر خوش‌سی (متاخر) همانند فردایی به سکولاریسم سیاسی نشان می‌دهد.
سکولاریسم سیاسی دیگر به تفکرکننده‌های این انتقادی از چالش حکومت است و تأکید
می‌کند که نمی‌توان مشروطه سیاسی را از دل آموزش‌ها و احکام ادیان استخراج
کرد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل بین‌النحایی استحصال فکری بازگران از کسوت یک
دینی پژوه طرفدار دخالت حداکثری دین در حوزه‌های مختلف به تفکرکننده سکولار
مسلمان دین‌گرایی، انتقال فکری و رسوب خودآگاهی و ناخودآگاهی مبنا
رهایت پوزشیوستی در گنّه نظام فکری او باشد. بازرگان متأخر عليه بازرگان
مقدم شرکی است در کتاب و در برابر توجه، مقحقاً تیب در به رشته مباني
اویه فکری خویش زد و سنین نواندیشی دینی را که سعی در تلاین و همینشینی
سنین ومدرنیت داشت، به محاچ برد. بازرگان مقدم شهبته قربی با شرمنی و
مظهری دارد اما بازرگان متأخر بر تار و لقب دیگری سرب می‌کند و سعی در
عرض قردن دین و محدود قردن دین به حوزه اخلاق و ساحات خصوصی
افراد دارد. به نظر مرسید با توجه به بحث بومی سازی علوم انسانی که از مسائل
مربر و پرمنافه ایران اسرور است، عناصر و دفقات سانسوز مثل انسانی چون
بازرگان که وجه همت خویش را بر همینشینی میان علم و دین قرار داده بودند،
اهمیت درچندان و مضاعفه ییدا می‌کند؛ به همین اعتبار در این نوشته سعی بر
آن است که با بازخوانی و بازگردانی آرای مهدی بازرگان گام‌هایی هرچند ناچیز
در راستای تحقیق بومی سازی علوم انسانی و از مبانی برداشت موانع موجود
بر سر راه این مهم برداشت شود.

چهارچوب نظری

نظریه میانل فیلکو فیلسوف فرانسوی درباره گفتمان، چهارچوب نظری این مقاله را
شکل می‌دهد. وی گفتمان را رویه‌هایی می‌داند که به گونه‌ای نظام موجود موضوع با
این‌هایی را که درباره آنها حرف می‌زنیم، می‌سازند. فکری حقیقت‌ها را امری
این جهان می‌داند که تولید می‌شود، به امری استعیابی. در نتیجه این امر، ممکن
است شکل‌های خاصی در حیطه حقیقت قرار گیرند و از آنجا پیرو نهاده شوند.
متلاً طب رسومی، طب غیررسومی که تا کاری می‌گذارد و آن را خرافی تلقی می‌کند;
از این رو، گفتمان با قدرت بیشتر است. از نظر فوکو، قدرت صرفأ سربک کننده
نیست، بلکه تولید نشده هم ویست؛ یا به عبارتی قدرت زاییده است مثلاً فوکو در
تاریخ جنسی نشان می‌دهد که برخلاف این تصویر که در دوره ویکتوریا بحث
درباره مسائل جنسی، از جمله مسائل جنسی برجه‌ها ممنوع بود، بیشترین بحث‌ها
در این دوره درباره آن صحبت می‌گرفت و نظام آموش و والدین را وی می‌داشت نا
فکر متعلق است گفتنی‌ها به فهم ما از واقعیت ساختار می‌دهند و این گفتنی‌ها است که مشخص می‌کند چه چیزی اندیشیدی و چه چیزی شناخته‌پذیر است. از نظر او، گفتنی باتلاق می‌شود که حرکت دید شخص محدود و شخص طیف بزرگی از برده‌ها را از جرگه برده‌ها باید که واقعی تلقی می‌شود. یا شایان توجه‌اند.

فاقد وجود امر واقع مانند یک زلزله یا وجود یک سنگ را در نمی‌کند، اما بازهمی‌ی امر واقع در ذهن ما و معنی‌بر و کسب معرفت درباره آنها، تنا در فضای گفتنی‌انی امکان‌پذیر است. مثلاً یک سنگ از نظر هستی شناسی‌ای خارج از ذهن ما وجود دارد، اما برای اینکه تبدیل به ایسه شود باید فرضی در گفتنی‌انی اشاره‌سازی یا گفتنی شیمی با زمین‌شناسی با معماري قرار گیرد. آنچه نظر فوکو این است که سوزه توسط گفتنی خلق می‌شود. به نظر فوکو، تصور سوزه‌ای که قبل از زبان وجود داشته و منبع مثا باشد، توهمی بوده است. حتی این فرانزی می‌توان گفته شده افکار و اعمال سوزه‌ها در حیطه گفتنی‌انی شکل غیرد. از سوی دیگر فوکو معتقد است گفتنی‌ها محصول انتخاب و کنن خریداری‌انه کنسک‌گان نیستند، بلکه بر عکس سوزه‌ها مخلوق گفتنی‌انی هستند. به عقیده فوکو، سوزه‌ها همواره مطلع شده هستند و در گفتنی‌انی و کردوره‌ای قدرتی ساخته و آنها را در موضع سخت‌گیران در تصرف خودآگاهی و مهم تر زده. همه در قرن بیستم در تصرف یک ناخداگاه که آمال را تعیین می‌کند، قرار می‌دهد.

فوکو در جمل در اول تاریخ جنبش به صورت طنز آمیز بحث می‌کند که فرد روان‌کاوی شده یا آزاد کردن خودش از طریق درمان، عملاً خود را تابی استراتژی هنجری‌سازی می‌سازد که همان سوزه‌ای را تولید می‌کند که او با این خودش را از طریق روان‌کاوی آن آزاد کند. فوکو مفهوم خلاقیت را به جون و چرا می‌کشد و می‌گوید به‌فر دقتی و هست که برای اولین بار گفت شده باشد و حتی وقتی ایده جدیدی تولید می‌شود، در چهارچوب قید و پندهای آنچه پیشتر اندیشیده شده است، تولید می‌شود.
در این مقاله نیز سعی بر آن است تا این نکته مورد توجه قرار گیرد که
منظومه فکری مهدی‌بازرگان چه در مراحل او و چه در مراحل دوم منظره و
برخاسته از گفتگوهای انسانی در هر دوره بوده و سر ریز شدن اندیشه‌های
بیزینیستی و لبریستی در آرا این متفکر نوادانش به وضع نشانگر این امر
است که بازرگان نه در مقام متفکری کنشگر و مبدع هک که در کسوم متفکری مقدس
و مقتبس یا به عرض اندیشه و تلفسف نهاده و دلیل تطور و درک دیسپ آرای او
در مراحل دوم فکری خویش دیققاً به تأثیردزیر و روایتگری بی حد و حصر از
گفتگوهای غالب در عصر خودش برنمی‌گردد. آثار این متفکر نوادیشان در قبیل از
انقلاب نشانگر اقبال او به انطباق میان علم و دین و رویکرد حاکم‌تری او به دین
است و در بعید انقلاب به‌واژه در سخنگویی اخیرت و تلاش آنها
در سال ۱۳۷۱ نشانگر گفتگو بازرگان از مراحل او فلسفی و اقبال به
سکولاریزم است که گفتگوهای هموطن جهانی در ان عصر به شمار می‌آید. در ادامه،
با روش تحلیل محتوای کیفی، میزان تطبیق آرای بازرگان را گفتگوهای غالب در
هر دوره بررسی می‌کنیم. شباهت یا اختلاف محتوای کیفی بین صورت
است که تمامی ابعاد فضايی که اطلاعات در آن جمع آوری شده، مورد توجه قرار
می‌گیرد و واژه‌ها و مفاهیم کاربردی توسط بازرگان آن موقع‌تبی، بررسی می‌شود
و سرانجام اینکه بخش‌های پنداشتهای به رابطه با شیوه روابط موجود بین بازرگان
با بخش‌های مختلف رفتارها و گفتارها به برونه بحث و حلقه گذارشان به شود.
روشن کردن ناهداقه جمعی یا فردی از طریق تفسیر و تحلیل الفاظ و فرفاها
بخش دیگری از روند تحلیل محتوای کیفی است. در این مقاله نیز در باید امر
مکنوبات بازرگان و نسبت آن با شرایط اجتماعی که تحت تأثیر آن بوده، مورد
بررسی قرار می‌گیرد سپس با رویه تحلیلی، تالشی می‌شود موانع متنی طوری
که که محتوای ماهیتی خود را حفظ کرده و یک زبانه متعادل و بین‌بانگ
محتوای حقیقی و اصلی را به نمایش گذاشته و این تحلیل در این برسی عبارات
مکنوب بازرگان است. سپس با شیوه استنتاجی، مکنوبات بازرگان مورد تجزیه
و تحلیل قرار گرفته و سعی می‌شود ارتباط معنایی و منطقی میان نتایج و تفسیر
به‌دست آمده برقرار شود.
پیشینه تحقیق

در مورد آرا و نویسندگی‌های مهدی بابازاری، طیف‌های فکری متضاد و منتفی داده‌های سخن‌سیر داده‌های کرده‌اند. علی‌الحسین خسروی‌پور در کتاب آسیب‌شناسی دینی‌زیستی معاصر تلاش کرد به روندی از آن، به طوری که آرای بابازاری بی‌فکرد و آرای این نویسندگی را به بوته بررسی و نقد بکاربرد. به نظر می‌رسد شناخت این محقق ارتجاع و نقد‌های وارده از کنی ایشان به آرای بابازاری وافر به مقصود نباشد. زیرا بیش از آنکه به پایه چهارچوب‌نظری مشخص و مدرنی باشد حاصل تبعتات و تأمینات شخصی ایشان است. این در حالی است که نقد در ساخت علم باید به دور از مداهنده و ملاهنگ باشد نه تنها توان یا چنگ زدن به چهارچوب‌نظری مشخص و متقن، فرایند نقد و نقدی را به فرجام مبارک و مدالی ره‌منوه ساخت.

مجید محمدی نیز در کتابی با عنوان دینی‌زیستی‌های معاصر ژک در سال ۱۳۷۴ نگاشته شده که به بررسی سلولار آرای دینی‌زیستی بابازاری را زیر نگرفته‌اند. محمدی در این اثر با وجوه خطا و اشتباه سعی کرده آنچه که بابازاری از دین و دین‌نامی دفاع می‌کند او را تحلیل کرده و آناکا که بابازاری از مقولات دینی دست‌شده، از این‌جا نمی‌تواند کند. این روانشناسی نیز به دلیل نگاه سکولاریستی مؤلفی چندان مکرون به حفیظت نبوده و توانسته زواهای مکشوف و نامکشی ژک بابازاری را مورد سؤال‌اندازه قرار دهد.

فرمود ژهانپیش نیز در کتاب اسلام، دموکراسی و نوسازی دیشی، فصلی از کتاب را به بررسی آرای بابازاری اخلاقی داده است. ژهانپیش در سطحی به مراد پایینتر از هم فضای تبیین خوش، آرای بابازاری را به بحث و فحش گذاشته و خوانندگی به خواندن صفحات مربوط به ادیانه بابازاری‌ها درگر مردمی تواناند ارتباطی معنا‌داد با آرای بابازاری برقرار کند. ژهانپیش نیز همچون سایر صاحبان‌نظری‌ها که آرای بابازاری را بررسی کرده‌اند، گفته که چهارچوب‌نظری مشخص و مدیری در مورد باربری و نقد آرای بابازاری است. در این مقاله که جزء تحقیقات توسعه‌ای به شمار می‌آید سمعی بر آن است که با تربیت زووهای پیشرفت‌های ابعاد جدیدی از تأمینات و تبعتات بابازاری بر آثار افکارنده می‌شود و محسوس و معاین اندازه‌ای این
منفکر نوادشی، مورد بررسی و واکاوی قرارگیرد.

جستاری در بررسی آثار بازگران

مهدی بازگران را می‌توان طلیعه‌دار روشنفکری دینی در ایران نامید. او یک سال پس از انقلاب مشروطه به دنیا آمد و آرمان‌های آن انقلاب دخالت در و همزادی در سالیان دراز فعالیت سیاسی و فکری بود. شخصیت مهدی بازگران را از هر جنبه‌ای می‌توان مورد بررسی قرار داد. از یک سو به عنوان یک مبازار سیاسی و مصلح اجتماعی و از سوی دیگر به عنوان اندیشمند و روشنفکر دینی. این دو بعد در شخصیت وی و همراهی یکدیگر بوده‌اند و این همراهی، از یک روشنفکر دینی عمل گرا می‌سازد. بعد بر اجامانیستی و تجربه‌گرایی شخصیت بازگران محور تحقیل نظریات ایها گذشت زمان است(1).

بازگران در تمامی آثارش به دنبال اثبات حقایق اسلام و همانگی با علم و دستوردهای علمی پیش است. این دخالت در قابل‌های ستیقه، عرفا و قلم‌فر زهرد بارها ظهور و بروز نمی‌یابد. بلکه تفکر تجربی دستمایه تأملات دینی او قرار می‌گیرد.

بازگران به تجربه و عمل گرایی بیش از تفکر صرف انتزاعی روي خوش نشان می‌دهد و این به فهم بهتر او و پی‌بردن به نقش و اهمیت وی، به‌این‌که به زمینه تاریخی که او در آن حضور داشت مراجعه کرد. آشنایی با گراف و تحصیل در دیار فرندی بازگران را که یک مسلمان معتمد و منفکر در دنیا، به انیشنا در مورد عقل تفوق غرب و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسیری دارد و از یک رهگذر ایها باعث شد تحت تأثیر نظام، تکنولوژی، اخلاق کاری و احتساب وظیفه و نیز آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در غرب قرار می‌گیرد. ام از بازگشت از گرفتاری دیش می‌کند اسلام را با ارزش‌های مدرن بپعد و با انجام دفع و تبخیر از دین و ایجاد پرونده می‌یابد و می‌کند. شایستگی دینی را در ایران پایه‌گذاری می‌کند(2).

بازگران و مرحله فکری‌اش از سر گذرانده است؛ این بیان تفسیر به‌نمودنی‌ای بیان

دقیق نیست، اما برای مقصود ما کافی‌است. مهم‌ترین ویژگی بازگران در مرحله اول فکری خویش در دفاع از دین و مبازره برای رفع عقب‌ماندگی خلاصه می‌شود. در این مرحله، بازگران برای رفع انحطاط و ایجاد حرکت و رشد در جامعه
اسلامی به روشهای گوناگونی متسوسل می‌شود که عبارتند از: فهم اجتماعی دینی، دعوت به عمل دینی؛ طبیعت دینی؛ پیوند دنیای دیگر و دنیای دینی؛ علوم و دینی؛ خصوصیات دینی؛ آزادی اجتماعی؛ بازگشت به نمادهای آزاد استادی؛ نقش خصوصی ملی؛ انسان‌گرایی.

او در این مرحله تمام تلاش خویش را برای نشان دادن توافق بین دین و دین یک تاریک و خسرو این کار به مقصد تجربی و بهویژه فیزیک و ماکینا متسوسل می‌شود. در اینجا به چند نمونه از تلاش‌هایی که اقدام به‌شانه‌ده به:

1. تلاش برای سراغ کردن مسئله و پاتفهای علمی جدید در میان دینی، همانند بیان امام صادق در مورد موجودات نهادی که از شدت ریزی به چشم دیده نمی‌شوند;

2. توجه بر جهانی بقای روح از مركب با توجه به شخصیت فیزیولوژیک و شیپکولوژیک انسانی;

3. در کتاب مطهرات در اسلام از طریق هر برنامه‌های ریاضی و قوانین فیزیک و شیمی متسوسل می‌شود تا قابلیت اجرای فرم‌ای دینی نظیر غسل و سایر احکام ظهار شود. را که بسیار مورد توجه فقه اسلامی است، اثبات کنند. (14)

مراحلی به آلار دیزگز در مرحله اول فکری از که تحت تأثیر پزشکی در این مرحله با دین و دین متعادل می‌شود. دیش شکل چون واگه متقنی برای صحبت این مدعا است. ایندلیش بازگردن متأثر از شرایط تاریخی و فکتنمک اغلب زمانه خویش بوده است. در برخی زمان‌ها (1320 تا اواست دهه 1320 در آثاری که مطهرات در اسلام (1321)، روه طیلده، (1324)، سرچشمه استقلال (1327)، مربی غقی اخلاق گذار ملل مسلمان (1329)، آثار عظیم اجتماعی (1329)، اختیار روز (1332)، عشق و برستی (1335) و مسلمان اجتماعی و جهانی (1338) به لیوادی زندگی خویش بر از پارادایم غلب بر آن عصر که

پارادایم ابتدایی و مدیریت بهره است، آشکار می‌زند. (14)

پارادایم ابتدایی در مرحله اول فکری خویش که در ادامه مقاله با شرح می‌آید و می‌توان به نتیجه و ایجاد آن خواهش پرداخت از مدیریت و پزشکی تدوین گری می‌کند و سخت مدت تأثیر این مکتب قرار دارد ولی در بعد دینی - سیاسی، ایده‌پذیرانی دیشی که در پژوهش‌های شگری در منظومه فکری را دارد.
او توجه خوبی به ایدئولوژی را برای آن می‌دانند که نشان دهنده چگونه می‌توان از قانون و سنت جواب مسائل سیاسی و اجتماعی و آنچه را احراز به عنوان ایدئولوژی عرضه می‌کنند، ارائه داده و عرضه کرده‌اند. 

وی در بخت و ایدئولوژی، ایدئولوژی را این گونه تعریف می‌کند: «مجموعه معتقدات یا مکتب فلسفی و نظری‌ای که از سوی شخص یا گروهی به عنوان محوور و منبیان فکری در راه هدف گیری حزبی و سیاسی از ازبین برای تبعیض زندگی و روش اجتماعی و مبارزه‌ای اخلاقی ماهیت مشه‌انگاری و می‌برد. این گروه، بر اساس قانون‌های ایدئولوژی حاکم هدف، مکتب، روش، تاکتیک، برنامه و نوعی معیار فکری حاکم بر افکار و اعمال اجتماعی است.» 

در سبع می‌گوید بر جامعیت اسلام، آن را در تمامی شنون زندگی صاحب نظر و برنامه‌بانانه که شامل کشور دارای نیز می‌شود. با این حال حکومت را با مسئولیت و حاکم بر تمام مصالح دنیوی و اخیر می‌داند. 

در اسلام از قدم‌های اول، ایمال و عمل همراه بودن و دین و سیاست به معنای اداره است. قانون و سنت براثر این آیات و اعمال مربوط به امور اجتماعی است. 

در این ایدئولوژی الهه که بازگانی در مرحله صاحب فکری خوشی بر آن تأکید دارد، خداوند قانون‌گذار اصلی و فناور است و هیچ‌کس نه بادشاها و نه مردم در آن گروه را حکم قانون‌گذاری می‌آراید. 

طریق معمول بررسی یا از طریق مکانیسم‌های مشابه دیگر ندارند. در حکومت اسلامی آزمایشگاه قانون الهه، احکام اصلی را که بر جامعیت مسلمانان حکم‌فرما هستند تعیین می‌کند. 

فعالیت مردم در زمینه قانون‌گذاری محض به اجرای این احکام اصلی در زندگی روزمره و وضع قوانین ثانویه و اجرا این است. بازگانی دین را اصل و سیاست را فرع می‌داند و معتقد است مردید دین باید در سیاست داخلی کرد و خطوط اصلی آن را تعیین کند اما سیاست هر گزینه و راه در دین مداخله کند. 

در این حال، که سیاست نماد هرگز نیاز برای پیگیری اهداف دینی دین را تجویز کند.

بازگانی در مرحله صاحب فکری و مناسبی از فضای برپا می‌شود و این چیزی که نمایندگی نماینده نظام اندیشه‌گر خوشی می‌گشاید. در این عصر که فضای بعد از خنجگ و نشود، نما
و حیات دوباره لیبرالیسم است؛ بازگردن متأثر از گفتگوی غالب لیبرالیسم، دین را در جویه خصوصی زندگی قرار می‌دهد و مدرنیت حوزه اجتماعی حیات آدمی را به دست عقل و علم می‌سپارد. ۱۳۴۰ توسعه لیبرالیسم و اوج گیری گرایش‌های لیبرالی و کم‌چاله‌شدن تفاسیر ایدئولوژیک از دین که بازگردن در مرحله اول فکری خویش، کیاگه آن را یک کشیدن بی‌پایان با این دست روبهرو می‌کند که آن دین صرفاً برای برخویش ارتباط انسانی با خدا او و معطوف کردن توجه او به خدا و آختر آمده و یا ایبتکارکندانها نیز دارد؟ حاصل تام‌الات بازگردن در این زمینه، به دنیایی از به فهم‌پذیری از مثون دین منجر می‌شود که در واقع تجدید نظری سیاسی در پدیده‌های پیشین از دست. او در این مرحله برخالاف مراحل قبلی به معاون جدیدی از مثون دین دست می‌یابد که همسویی بیشتری با گرایش‌های لیبرالیستی دارد. ۱۳۴۰

بازگردن که زمانی سعی داشت با استفاده از تمام دانش خویش، مقررات قرنی و دین را با علم مسازگان نشان دهد در طول سال‌های دراس با موارد فراوانی برخورد کرده که علم و دانش روز از عهده تکانی میان علم و دین بردارد است. جالب است بدانیم نخستین تجلی مرحله دوم فکری بازگردن در سال ۱۳۴۰ به وقوع می‌پوندد و او در ستانان با عنوان گفتگوهای بیگناه این نکته صرف می‌کند که حکومت یا مدرنیت جامعه در چهارچوب آیه‌بیت با رسالت پیامبر که تلاوت آیات و ترکیب است و لذت کتاب و حکمت منشور نشده و به نظر می‌آید جزء برنامه رسالت و مأموریت فردان را خدا بوده باشد. ۱۳۴۰ چنانچه می‌پنیم طرز تلقی های بازگردن از دین و علم در نانسی با فضای گفتگوی غالب در هر عصر و دوره تغییر سیما که در طول مقاله این تغییر و تحول به صورت مسیع‌السورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتگوی عمل گرایی و جیبستی آن
نسل اول نواندیشان دینی زمانی با دستاوردهای زیبایی خود بودند که اینیست در اوج شکوفایی و قدرت خود بود. در این دوران، دیدگاه غالب پژوهیسوم حاکم بر علوم تجربی، انسان و جامعه را در روند نکامی و امیدبخشی تصویر کرده و
پیام تحقق پیشرفت عدالت و آزادی را برای حاکمیت، جامعه، یکی از ارگاه‌های بود.

علم تجربی با دیدگاه از کمالی‌های دارویی و قوانین درخشانی، غیر شرب ترکی یک بود.

تمامی سیاسی‌ها و اجتماعی در فیژنی، به همین اعتبار، نمایش اینگونه از جمله حاکمیت.

در ایران در مواجهه با علما تجربی به عنوان یکی از شاخه‌های علمی متأثر از عقل مدرن، به تلاش برای برقراری رابطه و نسبت میان مذهب و عقل مدرن.

بردهای این مورد گفتمان عمل کرده‌اند به این مسئله که جنگهای پنهان، مطلب و علامه طبیبی سعی در برقراری ارتباط میان علم و دین داشته‌اند و تا اینکنون، این موضوع در حالی است که حاکمیت و مضمون برخی از ماهیت‌های م_SN به میان می‌آورد.(1)

بازرگان که قابل به گفتمان عمل گرایی است، بر این باور است که اگر کسی می‌خواهد در دوران معاصر از دین دفاع کند، باید دینی را مطرح سازد که با علم هم‌خوان و هم‌مکن که بوده و مدل برای آن باشد و این دو را بسیار به هم تزییک کند. یکی از راه‌هایی که بازارگان برای این نزدیکی اندیشه‌دهی، این است که علم را فرزند دین بخواند: اساس و مؤسس علوم همان ادبیات و بشر برای آنها حساب خود را با دنیا پا، با خالق روش کند به دنبال علوم رفت… علم در اینجا چه‌ی جز، اسباب کار دین نبود و قرن‌های متمادی در انگاره مختلی و علم‌های بله و نظر جهان در علم و دین در دوران جدید، پیشنهاد

چندفنا واقع شده بود. پیشرفت‌های متمرکز در علم تجربی در سیاست‌های موارد با اتحاد و

پاورهای دینی تعارض پیدا کرده‌اند و در این تعارض‌ها، علم به سبب ثروات علمی،

و تکیه بر مشاهدات، عموماً رقیب قوی برای در نمودن است. بازارگان سعی می‌کنند به

نوعی تعارض میان علم و دین را رفع و رجوع کند و برای رفع این مشکل پیشروی

می‌کنند:

امواج این حفظ مانند [نام] و کمیت، در تمام ادوار ساختار بوده‌اند، که

تجلیل از فلسفه‌ای و در عرفات آن دستگاه بشر نشده است. زمین‌های جولی ماهیت

و تعلیم مروط به زندگی آن در ساخته‌های گیبونه نشان می‌گیرد. تفسیر مفسر

می‌پسند است، موضعی در منطق علمی و استدلالی بین می‌شان است. به هک
زمان هم در پرده‌های عواطف و احساسات تولید، رسانسانی می‌کرد.

١٣٩٥

قدم دیگر، تبیین علم‌خویه قرآن و اسلام است: قرآن و اسلام چون مطمئن به خود و معقده به علم اطلاع از ابتدای استقبال از علم کرد و هم استقلال آن را شناخته است. گام آخر اینکه قرآن و اسلام با علم انطباق دارند: «می‌خواهیم نشان دهم ضمن آیاتی که [در آنها] نام آب و باران و کیفیت مربوط به بخش پیش‌گامیده‌نامه و با معلومات و نظیرانه علمی دارد.» خود ایمان سعی می‌کند تکنیک پیدا به‌های جوی را که قرآن به آنها توجه کرده با علم امرز تطبیق دهد:ّ(١٣) با این استدلال، که وقی در عمل و زندگی روزمره و در اشغالات عمومی دخالت و حاکمیت دستاوردهای علم و افکار را به سهولت می‌پذیرم و علم را عالی ترین مرجع قضاوت‌ها می‌شناسیم، یعنی قبلاً قبول است که در قلمروی دین آن را ندیده باگیرن و کور و گنگش بداین.ّ(١٤)

از نظر رابطه علم و دین، بازرگان علم را آلت بی‌اراده و نوکر دین می‌داند اما معنی است دین بدون باری علم هم مثل سلطان بی‌شک است: اگر دماغ، آلت اراده و نوکر دل است، بل دماغ هم مثل سلطان بی‌شک و بچه‌های است، بل دل و دماغ را هم مترادف اخلاق و عقل، دین و علم و عواطف و افکار می‌گیرد.ّ(١٥)

از نظر او علم در توجه و تبیین ابتدایی جهان (و احیایاً تخرب‌نکرده آن)، خواص و کیفیت‌ها با میل ترکیب‌های اجتماع و برخوری توقف کردن، بپیدایه جهان و قانون کنار، بپیدایی انسان، امکانات و نیروی بی‌نهایت انسان، و حیات و اماه و اسوار، معجزات بپلاها آسمانی و رؤیاها، عجز است و تبیین این امر را به دین مربوط می‌کند.ّ(١٦) اما علم با همه این عجزها بالاخره در مقام لشکر می‌تواند به دین پایه‌ی هایتی بکند. علم می‌تواند و توانسته اصل و اساس توحید را احیا کند. هرگاه به صرخه‌ای خودی، می‌تواند بر فویل وجود علت و معلومه و منکر استقلال ذاتی اتفاقی بوده است. به نظر او از نظر علمی که علم نشان می‌دهد می‌توان پی به نظم نهاد بهندی نهاد. قبلاً قبول است حیات چیره طبیعت بی‌یاداست و منشأ نبوده بهنندی واحده متفق از از سراسر دنیا جریان دارد. [لذا] دنا دارای مبدأ و
اساس بودن یک ناظم واحد از امکان قدرتی به نام خدا بر سر اسرار آن حکومت

ِمی‌کنند.۳۳

به اعتقاد بازرگان علم، ضعف منطق مقدمین را در باور به خدا و دین جبران
کرده است. یزیدیهای بشرستی را کاملاً از بین برده است، با کشودن افسانه‌ای
تازه‌ای که کتاب خدا به آنها تولید جسم ختم نسبت داده، احتمال قیامت
را مطرح می‌کند و خلاصه به‌طوری‌که اثبات حقیقت تأثیر دین را به مؤمنین نسبت
داده است. باری دیگر علم به دین، پاک کردن استنباطات و خرافاتی است که به دین
چسبیده است.

بانکراین علم و دین در اصل و اساس با هم مخالفت ندارند و پیداشی علوم
جدید به قصد مبارزه با ادیان بی‌آدیان توبه، و اگر تعاوضی پیدا شده باشد، آن را یافته
و رفع کرده بازرگان هم غایت و هم روش علم و دین را یکی می‌داند: هر دو دنبال
یک‌چیز که نام آن را حقيقة گذاشته‌اند می‌روند و هر دو معتقدند سعادت در درک
حقیقت است و "اتخاذ طریقه مشاهده و تجزیه به نتیجه تغییر و استوار
ساختن استدلال‌های نظری بر محسوسات تجربی، از آمیزات خاصه خرائط است".۳۴

رهیافت پوزیتیوپسم و رذ یا آن در منظومه فکری بازرگان

واژه اثبات گرایی به عنوان گرایشی فلسفی، نخستین بار از سوی سن سیمونو و
شاگرده کروست کانت در قرن نوزدهم به کار رفت. به زعم آنان اثبات گرایی بیانگر
شیوه جدیدی برای کسب معرفت بود که با شیوه‌های پیشین دستیابی به شناخت در
فلسفه تفاوت داشت. از نظر اثبات گرایان، تنها در مرحله تفکر ابتدایی است که ذهن
با تکیه بر ترکیب مناسبی از استدلال و مشاهده می‌تواند روابط علیه مبانی پیش‌های
واقعی را درک کند.۳۵ از منظر رهیافت اثبات گرایی، برداشته علمی دو ویژگی دارد:
نخست تجربی و اثباتی است، به این معنا که دانش‌شناخت آن‌ها از راه تجربه‌ای آغازش
وجود دارد، حاصل می‌شود؛ بنابراین علم به شناخت اشیا بر دیده‌های محدود
می‌شود که قادر تجربه از طریق حواس بدن گانه ما باشد. ویژگی دوم آنکه پژوهش
علی‌الاسلام تحلیل منطقی است.۳۶ از دید اثبات گرایان، علم سیاست در نهایت
تلاشی است برای تثبیت چرایی وقوع یک چهارده و نه صرفأ توضیح آنچه اتفاق
می‌اندیشیم یا انداده‌گیری میزان آن؛ بنابراین دانش متکی بر تبیین علمی، حاصل مشاهده آزمایش و جمع‌آوری داده‌های.maximum‌همگی، این‌ها مستلزم کشف و به‌ویژه قاعده‌های عام و قواعد است؛ بنابراین بین قوانین از پیش‌کشف‌شده با مراحل مشاهده و کشف قاعده‌های جدید با دانش، ارتباط وجود دارد.\(^3\)

مه‌همه‌ای از منظر اثبات گراپای واژه و حائز اهمیت است: مشاهده، تبیین، پیش‌بینی. برخلاف ارزش که بر قیاس تأکید داشت، علم مدرن و اثبات گراپای تاکید را بر استقرا گذاشته‌اند. مسئله مهم دیگر در مدعیت اثبات گراپای، مکانیسم علمی است. به این معنا که هر پدیده‌ای در عالم، معلوی علم تا عقل معین است. به طور مثال، فوت‌نشین در گیاهان معلوی تابش نور است.\(^4\) و جهت دیگر علم واقع، تابیت پیش‌بینی است: به این معنا که هیچ‌کدام از فهم، نظر و تصور در مورد دنیای یکپارچه و دنبای واقعیت‌ها، نمی‌تواند خصوصیات آن را بپذیرد.

پیش‌بینی، توری است و امکان پیش‌بینی متقابل به وجود قانون‌مندی در عرصه دانش طبیعی است. این روابط با اساس تبیین علمی تدوین می‌شوند. به هر حال یک نمونه خیلی روش بر اساس پیش‌بینی این است که در حوزه‌های علمی طبیعی می‌تواند به‌کمک دو کمک به‌کمک باشد. بدون شک نتیجه‌ای از این می‌تواند مشاهده شود. این نمونه در به‌کمک این امر می‌گذارد که اثبات از این منظر، مشاهده، نقطه شروع و نقطه اکتمال\(^5\) از چهارصد سال اخیر نیز تبیین از گیاه‌گردی ارسطویی به علم‌گرایی روی آورده است.\(^6\)

پزشک‌یست‌ها معطوفان علم بر پایه‌ی قواعد منطق و شواهد پیدا می‌آید. به خارج از اختیار پژوهشگر است و بلندتی‌داری‌های نظری او را محدود می‌کند. دانش‌نامه‌ای باید ادعایی خود را در پژوهش‌هایی که به طور عفونی و مستقل از ذهن و درک آنان وجود دارد، محکب نماید.\(^7\)

همان‌طور که اشاره شد پایه‌های رهایی پزشک‌یست‌ها بر دو اصل مشاهده و تحقیق‌پذیری استوار است. یکی از نظریات مهمی که از این رهایی، پزشک‌یست‌ها برکشیده و فراز و فروه‌های متعددی را از سرگذارند. نظریه کارکردی‌گرایی است که جریان نواده‌شناسی دینی بیش‌تر ایستاده‌اند. یک دین و توجه خاصی به این...
نظریه و پیامدهای مترتب بر آن داشت. کارکردهایی تقریباً از اندیشه‌های مبنی‌گردن فکر اجتماعی مربوط‌زمان به‌ره گرفته است. اساس نظریه کارکردگراها بر این اصل بنیادین استوار است که هر کل مکروکارکردگرا برای انجام پرواز و اجرای مشکل‌ها در نظر آن‌ها به دو پرواز اصلی اولیه و اجرا به‌وجود می‌آید. بر اساس اصل ضرورت کارکردگرا، نظام به‌کاری کارکردهایی مرتبط‌شده نیاز دارد و امکان شناخت‌های دیگر و فعال‌سازی‌های دیگر حسین کارکردها وجود دارد و در اصل کل گرایی، تأیید بر کل است نه جزئی. از منظر کارکردگراها، جامعه به مثابه سیستمی استوار است که این سیستم به زیرسیستم‌های متغیری منقسم و منشعب در شود و هرگونه از این زیرسیستم‌ها کارکرد خاصی را بر عهده می‌گیرد و ارتباط در راه‌نشانی‌های بیان این زیرسیستم‌ها با اجرا یک سیستم وجود دارد. شاخصان نظری کارکردگراها، تأیید بر علائم و تعداد در جامعه است و شاخصان و مبادله نظری کارکردگر آی، دیدگاه‌ها و اکتشاف‌ها می‌تواند بر وجود تفاوت در جامعه بر این ندیده‌شود و به جای اصل تقاضا، وفای و همبستگی را دال مکروکارکردگراها فکری خویش، مطرح می‌کند. مندی بارزانی به تأثیر از رهایی پوزیتیوستی که گفته‌ها غالب ده به به‌راه و شست می‌چنین یکی از آن بوده یک نظام فکری خویش را که همان‌پسپری‌های بسط و اشترا منابعی را به‌وجود می‌آورد که آن‌ها در روان‌شناسی علم برای خویش‌های علم گرایانه روشنفکری دینی است، بر اساس آموزش‌های علم گرایانه خویش، مشاهده
و استقرارا را معيار و ملاک خویش در داوری قضایا و آموزه‌های دینی قرار می‌دهد.

نکته دیگری که نباید از نظر دوست آن است که آموزش بازگان در محیط غیر مذهبی غرب صورت گرفته که از اخلاق مبهمی متأثر بوده است، از سویی دیگر تحقیقات او در رشته فنی در فرانسه سبب شده تا میان آموزشهای علمی تجاری و فنی با مذهب تعارض چندانی نیستند. به همین اعتبار، از منظر این مفکر دینی علم عمومی تجاری و آموزشهای فنی به‌همچون وجه عرضه مذهب را محدود نمی‌کرده. دفاع تمام قد و هم‌جانبه بازگان از علم عمومی و روش شناسی پوزیتیوپسی و تأکید او در کتاب «راه طی شده» به حذ اعلامی خود می‌رسد و این نواده‌ی دینی که نمودار دانشمند طبعی را که با رویکرد پوزیتیوپسی در پی تحلیل و در در مدت، تلاشی موادی به تلقی می‌کند که عملی، آنها در مطالعه‌ی انسان موحد قرار می‌گیرد به‌طوری که بهتر از فقه و مدرسی، صفات ثبوتی خدا را درک می‌کند.

توجه بازگان به نظم، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی نیز حاصل دید علمی اوست: با زمان حساب کرد و فکر کرده و کارمان را روی نقشه‌ای مطلوع شده مدت‌دار انتخاب و با صبر و توانا به انجام وظیفه پرداختن، مسلمان‌ها را به موافقت خواهند رسانده. بازگان عموم مسائل دینی را نیز به تأمین از رهایت پوزیتیوپسی به طریق علمی می‌هند و بایستی می‌کند: دعا و تصور انجام در طبیعت به واسطه کاتالیزوری در فرآیند طبیعی است و شیطان همان انتزاعی است که اصولاً برتر و حاکم عمل کند. در طول ماه‌های بوده و مشکل است تحت فرمان ماده پست و جهانی قرار گیرد. دیدگاه بازگان در مورد نیوتن نیز کاملاً برخاسته از رهایت پوزیتیوپسی است. بازگان بحث خود را در رابطه با روند پیدایش ادیان و ظهور پیامبران با سبیال و پیشان پوزیتیوپسی آغاز می‌کند. ابتدا همه عصر مشترک توحید، عبادات و معبد و قیامت را به عنوان سه ماده که در تمام ادیان و دعوت پیامبران آمده است، به‌هم شماره که هریک از این سه عصر در فرآیند تاریخی خاصی ظهور و تجلی پیدا کرده و رویداد این سه عصر نیز مناسب با هم فهم بشر و تکامل اطلاعات و آگاهی پیش تفاوت داشته است. به این صورت که آنجا که پیشرفت صفات
کودکانه و مراحل سادگی اولیه را دارا بود، پایامبر هموگون نوی ظاهر می‌شود که به عنصر توحید و یگانگی خدا دعوت می‌کند. در آداب همیش گریز می‌شود، حضور الوت ظاهر می‌شود. ظهور وی همراه با خروج و بیرون آمدن از صفات کودکی و سری‌بان‌ی‌دن به مرحله جوانتی است که در آن غیره‌زی جنسی موج می‌زنند، مسئله و موضوع انحراف جنسی و قبول آداب برای بشر پیش می‌آید و تکلیف و شریعت در مرحله‌های موضوعی پیدا می‌کند. در این استرداد همیش گریز ظهور انبیا، با ظهور حضور موسی مواجه می‌شود که با تکیه بر عنصر دوم یعنی آمیز و شریعت و ادب، اجتماعات بشری را تشکیل می‌دهد و موجب پیشرفت می‌شود. موسی دینی دنیوی است.

پازرانگ در اظهارات عجیب، فرستادن کتاب تورات برای حضور موسی را نتیجه و معنول نخبه‌گیری و اصلاح نزاکت می‌داند که به واسطه آن پیش مستعد دریافت آن شده است. این نواندیش دینی این نکته را بیان می‌کند که پس از آنکه انسان در نتیجه آزمایش‌ها و نخبه‌گیری‌های متوالی قرون گذشته به اندازه‌ای تصفیه و تکمیل شد، صاحب بصرت بیشتر و لایق اخذ تعلیمات شد و کتاب عملی به نام تورات بر نازل گردید. کتاب‌های که در نگاه پازرانگان، در شناخت و معرفت انسان به روند پیدایش و ظهور انبیا و ادبیات قابل ملاحظه‌است این است که وی روند ظهور و روندی تکاملی می‌داند و آن را نبی بر اساس اصل نخبه‌گرایی و اصلاح نزاکت و تصفیه نسل، تبیین می‌کند که از مبانی بوزیتویستی و طبیعت‌گراپانه وی حکایت می‌کند. بازگان در آداب ظهور انبیا، پیشرفت عیسی را در موضوعی که تکامل بشر نیازمند جنبه اخلاقی است، ارزیابی می‌کند. از منظر این منفکدی، حدود مستحیق مصادف با موقعیت از دوران تکامل بشر است که انسان از نظر فلسفی، مالی و محترم به پاکی و نیکی شده ولی با این حال هنوز عقل، قرار دماغی و فکر عملی انتقادی آنقدر بیش نمی‌رود که عقل احساسات را عقب‌زده و فعال می‌شاید. زندگی شود. در نهایت با سیر روند ظهور انبیا به دین اسلام می‌رسیم که در قیاس با سایر ادیاناز، بر مرد عقل و نجیب بشری تأکید می‌وزد.
حقیقت امر آن است که بازرسان در بیان سیر ظهور پیامبر و ادیان، از یک روشن پژوهی بیشتر می‌کند و بیان این نکته بر اساسی که ظهور اسلام، مرحله‌ای است که بر تجربه و دانش تاکید بیش از پیش می‌شود. با تحلیل آگوست کنت که سیر مراحل تاریخ بشر را به سه مرحله ریمانی، فلسفی و تجربی تقسیم‌بندی می‌کند، هم‌حوزه و تطبیق کامل دارد. این نواندیش باید در کتاب‌های و بازی این نظر را به کرسی می‌نشاند که وحشی امر خلق و روح از یک جنس هستند و بینن و توضیح علمی آنها دشوار نیست؛ بلکه می‌توان با فرمول‌های علمی فوزیک و شیمی وجود آنها را اثبات کرد و علت تفاوت زبان قرآن را با علم مدرن نیز فهم کرد. بازرسان معنی‌دار است و حیثی از ناظم حرف می‌زنند و علم از نظری به ترتیب اعتقاد به ناظم امیدوار کنند. این بوریکاک در روش به هم‌خوانی که هم‌بینی روي یازمان وحشی کامل تر است، اگرچه با بد کلید رمز این یازمان را شکافته‌باید این وصف ویژگی وحشی کامل بودن آن است که آدمی را به سوی توجه‌آزمایی، عبرت و آذای آن‌ها یاری دارد و بااطعم شورت‌های نسیم‌های سوخته‌نشده‌دان می‌شود. علم و عقل آدمی را به طبیعت، آذای آزاد و بهشت موعود زمانی فرا می‌خواند که طی این مسیر دیپتر به سعادت منجر خواهد شد. روایت‌های هم‌خوانی بازرسان به علم تجربی و روش استاد و مشاهده به همین مجمال خست نمی‌شود و از در جای‌های آثار خویش به‌صرفه‌آمده در پژوهش‌پسند و نظریه کارکردگری دفاع می‌کند. مسلمان ان است که گرایش این نویسنده، دینی‌شناختی به نکته علم تجربی است و معنی‌دار است قرن با حواله‌های بنیان آدمی به زندگی روزمره و وقایع طبیعی، جنبیت بروشی را برای شناخت آدمی توصیه می‌کند. این منفک مسلمان در کتاب راه طالب‌مانگ در راه پیاده، رهبر بردن و تجربی دانش‌مانندان طبیعت‌شناسی را می‌ستاد و روش‌مورد استفاده آنها را مورد تایید و تکریم خویش قرار می‌دهد. از منظر بازرسان، تنا سواد می‌گردد، با یک دانش‌مند در این است که دانشمند بحث از نظام خلق می‌کند بدون اینکه اسم ناظم (خدا) را بپیارند؛ در حالی که مورد اسم ناظم (خدا) را به یازمان می‌آورد. ابراهیم بن‌نادی این که به گزاره این منفک وی او را است که گرچه بشر به مدت علم و روش تجربی و نگاه به طبیعت می‌تواند به اهدافی در عالم دست پازد اما
همسانگاشتی راه‌های انسان به ورش نویسی مهارت مغفله در آنادینه بازگردن است. این
ادعا که راه‌های انسان به ورش یکی از اینهای خود دارد آن است که بشر با
دسته‌بندی و تلاش یکی واقع شود به آن رسمیت و انسانیت زودتر از آنها به کمک وقیه به
آنها رسیدنهمد، ولی تفاوت ماهوی میان این در راه ووجود نداده، دیدگاه
اختلاف برق‌های و ساختارشناسانه ای است که در وضعیت فلسفه بخاطر انسان را نقض
می‌کند زیرا با وجود توان فکری و عقلی تشریح راه ستاد و
سرپرستی و مدیریت آن، ضرورت وجود و حضور انسان برای هدایت عمومی بشر

»

منتفی می‌شود."11

استاد مرتضی مطهری در کتاب اصول فلسفه و روش رتینالم روش شناسی
پوزیتیوستی را به پوسته تقدیم می‌کند و می‌گوید: اشکال تبیین که قرار ما را به
مطالعه حسی طبیعت دعوت می‌کند ولی آیا قرار مطالعه طبیعت را برای حل تمام
مسائل که خود طرح کرده است، کافی می‌داند؟ اینها معتقدی که علم جدید
کمک فراوانی به توحید و خداشناسی کرده اما خلاصات آن است که مطالعه
طبیعت ما را تا مرز ماورایی طبیعت درهمی می‌کند و اینت جاده‌ای است که تا مرز
ماورایی طبیعت کشیده شده است"12. بازگردن نسبت به روش عقلی بی‌اعتناست و
ایجاد، اساسی در روش شناسی معروف می‌پنداید این از آن است که نمی‌تواند به روش‌های
دیگر وفایه بهبود و نمی‌پنداید بر روی گزینش تجربی نهایی می‌وزند. اما با اینکه روشن
و حاضر نسبت روش‌های دیگری مانند تعقیب و شهروند را از
آیات مربوط استخراج کند."13

این نوادگان دینی با فلسفه و عرفان رابطه خویش نداشتند. از سویی او فلسفه
علمی در گرد را ارج می‌نهاد، اما خود به‌همه وجه با زبان فلسفه مهربانی نكرد.
نداشتند زبان فلسفی چندان ایرادی نداشت، اما داشتند ذهن فلسفیť به‌جایی و
پرستش از وجود و رابطه وجود با موجود و حتی پرستش از انسان برای نحوه زیستن
در این جهان. برای هر اندیشمندی لازم است."10 بازگردن در رویکرد پوزیتیوستی
خود نسبت به عقل، موضع تنده‌ای را علیه فلسفه و عقل گرایی بی‌خونی می‌گردد. از این
منظور کسانی چون بیکن، چاپیک، والابی مد نظری فکری این متفکر دینی معاصر
دارند. بازگردن در جایی برای صحبت ادعاهای خود منبع بر مرجع بودن روشن
تجریب، برای هر کسی از می‌گویند: تو اکنون در مقابل لفظی‌های قدیم و نجات از بین‌یافتن هشدار، در فرآیند جدیدی از راه‌های جدید به طبیعت و نظریه محسوسات تجریبی حاضر شده است. این یک نوع برگشت به ماده و طبیعت بوده است. (۲۴)

پازرگان در جای‌جای آثار خوشی به رهیافت پوزیترویستی تمسک می‌کنند. او برای این نظر تأکید می‌زند که موجودی اکنون فرشتههای زنده، صیب‌های ماده و طبیعت دارند. از نظر او، فرشته‌ها از روزی برتر هستند، از روزی برتر هستند. همچنین به دلیل همین نگاه طبیعت و زمانی را نانی از ماده و از جنس آن می‌داند که قابل تبدیل به یکدیگر است. این نوادگان، دنبال ماده را به عنوان و عقیده‌ها سطحی و قشری می‌داند. چون از سطح طبیعت و طبیعت ناشی شده، اما به زعم پازرگان، معنویتی که از طبیعت ناشی شده‌اند بسیار شدیدتر از معنویت مبتنی بر دین هستند، زیرا به زعوم و معنویت غیری مثل غرور ملی، کنیکاری و علی‌دوستی و آزادی‌خواهی، احساس و محکم‌بودن غرب بوده است. (۲۵)

روش‌شناختی پوزیترویستی چنان در بند بنده وجود پازرگان رخته می‌کند که او شوخه صورت‌های فرا و برای کتاب و معاد را تشبیه به فوران از من انجام داده و طبیعت از دنیا نمی‌آید. (۲۶) می‌داند که همچون کاتالیزور با انفجار اتم، اجسام خفی و انرژی‌ها به‌لحظه به جنب و جوش و حرکت را می‌دهد. (۲۷) وی در انسان شناسی خوشی نیز پایگاه شخصیت او انسان را به گونه‌ای تحلیل می‌کند که تپه‌های شخصیت انسان را از سلول‌های برزی به راه کروموزوم می‌داند. پازرگان نگاه ماده خود را به انسان در آثار خوشی پژوهیده می‌دارند و این نظر را مطرح می‌کند که برای این صفات ظاهری یا باید به مجموعه آنها شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد. هرگز جنبه روحانی خارج از این نمی‌شود. به طوری که علوم طبیعی نشان می‌دهد احترام‌گزاران سلول‌ها از در ترکیب ماده بدن موجود می‌شوند. همان‌طور که مشخصات فولاد مربوط و ناشی از ترکیبات ذرات جسم و تشکیل دهنده‌های آن است. تمامی صفات موجود زندگی نیز در اعضا و نهایت و در موارد مشکل‌ها و معنی‌ها است. پازرگان به گونه‌ای غالب آثاری یک نگاه انسان‌شناختی ماده و پوزیترویستی را بر دین‌شناختی تحمیل می‌کند و رویکرد از پوزیترویستی ماده می‌شود. (۲۸)
پازرگان نهتنها از مزایای بهره‌گیری از روش تجربه‌گرایی داد سخن سر می‌دهد.

بی‌کمی که نویسندگان از عقلانیت سودانگاران را نیز عامی اساسی در راستای تحقق اهداف
دوپی بشر تجویز کرده و در روش‌های متنوعی هم‌زمان نفع پرستی بود
که بر قانون کامل بشر وقیت به ارکان تبدیل تکیه کرد و به هور عقل و علم روش‌های
شد. بشر را به‌پله به طريق مستقیم نزدیک کرد و روزبه‌روز به سر منزل سعادت دنیا
نزدیک می‌کند. آن جاده خاکی و پای پایه بشرت که باید او به‌هند انیبا
برسراند، همین نفع پرستی است.»

خندش و ابراد بنیادی که متعججه نگاه برناگماتیستی و سودانگارانه بازورگان
در ساخته‌ای که به جای آنچه اصلت را به دین و احکام مرتبط بر آن بدهد،
رویکرده بحث و علم‌پرستی را به دین را در پیش می‌گردد. در بررسی عقل و علم
به دین نظر می‌افکند. روش کارکردی و سودانگارانه گرچه به لحاظ روشن شناختی
تأثیرات مثبتی دارد و بشر از جهتی پیش از توجه به استدلال و پایبندی به عقل
وابتا حفیظت به مفید، با عقل بودن امور و حقایق عنايت دارد و از دریچه کارکردی
به عقاید و اعمال می‌گرد، اما به جنبه‌های انسانی دین نیز به عقاید
دنیاین آسیبی جدی می‌رساند." بازورگان که تحت تأثیر رویکرده علمی گرایانه و
نظریه کارکدر گرایان است، در کتاب «ذره انتها» در تبیین رابطه خدا و انسان از
مباحث ریاضی استفاده می‌کند. او در این تبیین، انسان را بی‌نهایت کوچک و خدا را
بی‌نهایت بزرگ می‌داند.

دفاع بازورگان از شعائر مذهبی نیز دفاع علمی است. در این دفاع برای مثل،
آخر به‌داشتی روزه و سایر احکام تبیین می‌شود و در حوزه اعضا و معارف دینی
کاملاً از قابلیت علم تجربی برهر می‌گیرد. برای این مثال قیامت را به عامل بیرون از
جهان مادی نسبت به دهده و آن را به تحول جهانی مادی منسوب می‌کند. 
تقریباً شناسایی بازورگان نیز مبتنی بر قابلیت علم‌پرستی است. در مباحث
قرآن شناسی، وی به دنبال آن است تا نشان دهد که چگونه آیات در یک نظام منطقی
تئیز کند. همچنین در یک تحلیل کتابی از قرآن، توزیع آیات را بر اساس نزو
و موضوعات موجود در آنها، در یک منحنی به‌نمایش می‌گذارد. از نظر این
نویسنده دینی، دعا و تصرف آن در طبیعت با واسطه نفک کاتالیزورها در فراورد

251
طیب‌العهد، و نقش پیامبران برانگیختن منابع انسانی است. به همین اعتبار، سیرآفرینش آدم، با تکامل طیب‌العهد داروینی فهم می‌شود و بالاخره غیبت در این
قرات، همانا جز مجهول‌ات علیه چنین نیست.

نمونه دیگری از رسوم روش شناسی پزشکی-پزشکی در اندیشه بازرسان، در
بحث‌هایی چون ارتباط ماده و روح است، وی به این جمله از مصادره دست
می‌باشد که «روح عالی ترین محصول ماده است»، و بعد نتیجه گیری می‌کند که روح و
مواد جانی از هم نیستند و روح مولود یک سلسله ترکیبی و تکامل ذاتی طبیعی است
که هیچ گونه مزد و دیواری بن عالم طبیعت و ماریای طبیعت وجود ندارد. از نظر
بازرسان، خاستگاه عقیده و باور به روح و امور غیبت به واقعیت دنیای ماده در تعامل
با طبیعت گرایان بر می‌گردد. به این بیان که بر قدمی علیه و حوادث طبیعی تو
اراده امروز غیر طبیعی متعدد اما از نظر بازرسان، با پیش‌روی علم که بر
جدید علیه و حوادث طبیعی را علت تمامی پدیده‌ها می‌داند، دریک نمی‌توان روح را
پیدا کنند. جدای از ماده به حساب آورده و اساساً خاتم فاصله و مزین‌نگی میان ماده و
روح، منعی جدی و برده‌افکنی آشکاری در راه رسیدن مخلوق به خالق است.

پیروایش است که قرائت علمی بازرسان از دین منکی بر نگرش مثبت به علم
جدید است. یک ابتدا تالش می‌کند تا نشان دهد علم و دین دارای سرچشمه
واحدی هستند. سپس علم‌خواهی دین را به ابتا می‌رساند و در دیدگاهی در
راین‌رانی ارتباط علم و دین تالش می‌کند. با عبور از این فرآیند است که تفسیری
علمی از دین در نزد او ممکن می‌شود. یکی از آسپرسی او اشکالات جدیی که
متفاوت رویکرد علمی گرایان بازرسان است. استناد مکرر او به علمی طبیعی و تفسیری
کارکردگرایی است. این رویکرد شفاهی و با علوم طبیعی مشاهده شده به دین دارای
آسپر می‌زنند. این متفکر دینی به گونه‌ای از نظریه‌های باورها و رفتاری به پیش در طول
تاریخ استفاده می‌کند که گویا بشر با عقل مستقل خود به تمامی دستاوردها و
آموزه‌های انسانی دست می‌باید و به همین اندیشه که معرفت مستقل بشری رشد
می‌کند، نباید بشر به دین و وحی کمتر می‌شود و به موردن زمان، بشر از وحی بنیان
می‌شود.
فقط امور دینی و اختیاری خوشی به صراحت می‌گوید: «امروزه برخی از ایمان‌آوران از این امر برخوردار هستند که انتظار دارند به‌طور انفعالی به‌داشت و رضایت و نیز به‌طور ناخودآگاه به‌طور اکثریتی به‌طور گروهی به‌طور زنده و پیوندگیری در سایه دین یا مراحل اسلامی بزرگ فکری بوده است.»(10) گرچه این ادیانی منبع معاصر، فاوتپل، چگونه راه‌نشانی را برای جدایی از بقای مسلمانان اما تا تجربه و تشکیل آموزه‌های دینی از منظری کارکردهایی از جناب او صورت می‌پذیرد. بازرگان نگاهی تحقیق گرایانه به‌دنیای دارد و در استدلال‌های او، غالبی جنبه سودداشتارانه و عمل گراینه‌ای از چنین ایجاد و قرب پیدا می‌کند و دین به خود رفتار مرتينی نزد او نمی‌کند.(11)

روش کارکردهای مورد استفاده بازرگان، صداق را به معنای مصلحت و منفعت گرایی معنایی می‌کند. آسیب این گونه نگرش بین نظرهای دینی به‌طور مثال بازرگان در رساله ۱۳۷۷ شمسی نگاشته، فاوتپل زیادی را که در اثر نمایش خوانندگان نصب دانست شد را تمرین، تقویت نفس، تمرین وظیفه‌شناسی و فواید جویان از بین رفتن کسانی و انضباط در انسانی می‌شود.(12) نецد نیازی به به‌کارگیری بازرگان در مورد فواید نمایش خوانندگان آن است که سخن در این نیست که احکام عبادی و آموزه‌های دینی فاوتپل کارکرد فردی و اجتماعی و دینیاند؛ بلکه غرض این است که نباید فقط به تین برای کارکردی بسند کرد تا مخاطبات با چنین بدلیل از آموزه دینی ندست بی‌شود.(13) بازرگان براکامپسیم را مناسب ترین نظرهای فلسفی برای مسلمانان می‌داند و از این رهگذر تلاش می‌کند.

253
اصول آن را با مبانی دین تطبیق کنند و در این زمینه می‌گوید: بیگی از خصوصیات فرد پراییک داشتن هدف معین است و مرد عمل همیشه به دنبال آسان‌ترین و ساده‌ترین راه می‌گردد.\(^{(42)}\)

ابن نواده‌شین دینی، عنايت جنادی به شریعت و آداب و عادات ظاهری دین

ندارد و هدف و غایت دین را اصلاح نفس و تکمیل مکارم اخلاقی و تزییه و

نالقین ملکات عالیه درونی در مردم می‌داند. از نظر بازگران، احکام و فروع دین با

آن روشی که در رساله‌های عملی است، اساس مفسوده و هدف تعلیق‌های دینی

نیست.\(^{(42)}\) ابن دیدگاه بازگران از لحاظ مبانی درون‌دینی بهتر است که از امام ها و ایرادهای

اساسی است، چراکه گرچه هدف و غایت دین اصلاح درون‌ساسان‌ها و رهبران

شدن آنها به برقراری و تأسیس یک جامعه دینی و اخلاقی به منظور حاکی

قرار دادن شریعت و احکام مسلم و قطعی اسلام به بهانه‌ی برقراری نپذیر

ناتوان‌آباد است!\(^{(42)}\) نباید این مکلفی که به رساله‌های عملی است که علیه هم در صدد

است که ایمان دینی عکس را در عمل متقابلی سازد و با عمل به این دستورات ایمان

خود را آتشکار و استوار سازد و هم می‌خواهد حقوق اجتماعی دیگران را حمایت

نهد و هم به وظایف اجتماعی خود جامه عمل بیوسان و اینها همگی ابعاد یک

حقیقت را تشکیل می‌دهند.\(^{(44)}\)

مهدی بازگران در مواجهه با علم مدرن به روش استقرای تجربی قرآن تکیه

کرد و وجهه همت خویش را در نوعی افکاری مبالغ علم و دین قرار داد. از سویی

دیگر او با تفسیر زبان دینی، مدعی بود که علم با زبان دیگر همان حرف‌های قرآن

را در هیأت پیدا کرده است. جهان و انسان تکرار کرد این است. مسایل و مشترکی که

بازگران میان علم و دین پای علوم تجربی با قرآن را دیده می‌کند، بسیار طولانی است

که از خلفه و زندگی تا مرگ انسان و طبیعت را شامل می‌شود.\(^{(44)}\)

حاجی به گفتن نیست که این مفتکر دینی گره‌چه سعی در تلاشم و هم‌نشینی

علم و دین داشته اما اهتمام و تلاش از در راستای یک تبیین ایمن متفکر، چون تأیید و

تفسیر آموزه‌های دینی به فروغ دستاوردهای علمی نبود. بازگران بر آن بود که با

تفسیر علمی از دین، دین را به زعوم خویش به اندازه که یبرپشت و خرافي بودن

خلاصی بخشنده اما از راه افراد پیروی، از یک سو دلسپه.
منظومه فکری بزرگان در دوره متاخر

مهدی بزرگان به مثاله پدر معنوی جریان نوانتیشی دینی در ایران، فرآیند فرهنگی در سبک تطور و تحول دستگاه فکری خویش داشت. اگر بزرگان متقدم که در عصر و سهار آرمان‌گرایی و دوران حاکمیت تفکرات استقلالی، نظام فکری خویش را صورت بندی می‌کرد و از دخالت دین در سیاست و حکومت داری پیشنهادی به عمل می‌آورد، بزرگان متاخر راه‌یافته به پیشگرفت و علیه بزرگان متقدم و گذشته نظری خود شوید. و آن را به چالش کشید. بزرگان متاخر همچنان در مبانی و شاکل‌های نهایی فکری خود، پشتوانه به ایده‌ها از برای سیاست‌های فرهنگی قائل است. (9) این نوانتیش مسلمانان در سختیان مشهور خود با عناوین آخرت، خدا، هدف بعثت انبیاء، هدف و غایت رسالت پیامبر و در راز آزادی و تنها تکنیک دیگران و تهذیب نفس برجسته‌ها. از نظر، در مورد مسائلی چون آشیعی،
خانه‌داری و اداره اموری چون اقتصاد و مدیریت سیاسی، راه‌کار و دستورالعمل‌ی را در اختیار ما نمی‌گذارد و اساساً رقیق و قطع این امور به عهده خود انسان‌های که به شکوهان عقل و تجربه می‌توانند از پس امور دیگر خوشی برآید، چنان‌که می‌بینیم طرز تلقیه‌ای بازرگان در این دوره از نقص و کارکرد دین، در تناسب با فضایی پاهای انسانی در سال‌های بعد از ۱۳۸۴ است. این عصر، عصر فرهنگ اپیدمی‌ی‌ها، به‌ویژه اپیدمی‌زای مارکسیزم است و بازرگان در این عصر بار دیگر بی‌پنده خود را با گفتمان غالب زمانی خوشی نشان می‌دهد. گفتمان مسلط در این دوره، گفتمان اپیدمی‌زایی و فرهنگی فارواخته‌شد که با عنوان ما بعد تجدیدگرایی از آن باد می‌کند(۱)، پرسش ایندیکه این است که چه عالمی سپید شدند که بازرگان از دیدگاه‌های قبیل خود بی‌نقض حق‌دانی از دین دست‌شود و به تلقی حداکثری از روزی آورد بازرگان از باد و فعالیت فکری سیاسی خویش دلسته و شفته تبدیل عرب و شیعیان به‌پایه‌سیستمی بود و در عوام آثار خویش از جمله مظهرات در اسلام، «ره ای‌شده» مصر عقب‌ماندگی مسلمانان و اسلام را با روش کارکردگرایانه تنفیذ و پیمانی می‌کرد و همیشه با این پرسش‌ها و می‌شد که آیا مکتب‌های دیگر فاقده این گونه کارکرد‌ها هستند. آیا در مغرب زمین، آزادی، کار، نظم، نظافت و غیره وجود ندارد؟ اگر چنین کارکردگرایی از دین بری‌آید، آیا مسیرهای دیگری بهتر با دیدن از دین تأمین کنده‌اند نیستند؟ مهین پرسش‌ها سپید شد نا در سال‌های بسیار اسلام در به‌نهایت‌های ۱۳۷۷، بازرگان در سختی‌های مشهور خود، هدف از برانگیختگی شدن پیامبران داده است اداره امور اجتماعی و حکومت بلکه رسالت آنها را منحصر به محدود به سعید اخروی انسان‌ها بداند، بنا بر این نتیجه آسیب تیبی کارکردگرایانه، افراط و نتوانسته معرفت دینی است که زمانی این دین‌نشان را و می‌دارد که تمامی نیازهای دینی‌ای را از آموزه‌های اسلام جویا شود: در زمانی دیگر به تفیض نیز باید و فقط خدا و آخرت را برگزیده(۱) از نظر بازرگان متأخر، انتظار قرار داشتن بودند که اسباب و احکام خوشی‌بختی و رفاه ما در این دنیا فراهم آورند. خوشی‌بختی در این دنیا را با شکل دیگر و با توجه به راهنمایی مصلحان، اندیشمندان و خبریان دیگر هم می‌توان به دست
آوردهایی که از نظر عالی برتری داشته باشند، بازگذار مسیحیت را به عنوان هدف بزرگداشت. هدف متعالی‌تری که حتی عالم‌تبین، آگاه‌تبین و بهترین انسان‌ها هم نمی‌توانند به‌پیش بیندند، آن‌ها را به آن‌ها می‌دهند. خدا و آخرین است. از این منظور، به‌زعم بازگذار، هدف مهم‌تر و اساسی‌تر این‌ها، خدا و آخرین بوده و هم چون کنگره زیستن در دنیا. بازگذار که حواست بعد از انقلاب اسلامی و تحولات سیاسی و اجتماعی مرتبط بر آن را از سر گذرانده، به دلیل انزوای سیاسی و ابراز نامنی و نارضایتی نسبت به عملکرد به زعم وی نامطلوب حکومت دینی، با برشماری پیامدهای منفی حضور دین در سیاست، سیاه‌های از این آسیب‌ها را نام می‌برد:

1. انسن‌گیری از دین و سیاسیت و ابعاد مردم نسبت به دین: وقتی مردم و جوانان با ناتوانی و عجز ادیان و مدیران امور مواجه شوند، کم‌کم می‌توانند و اصل این را به راه حل کنند.

2. تصرح دین و دولت به دست رهبران شرعیت: مادینه هزاران سال یاد است.

3. کلای شیطانی: اسلامی که با پشتونه قدرت و روش‌های پیش برود، بیشر

کالایی شیطان است تا دین خدا.

نقد بنیادینی که به‌دست آمده‌ای که نظریه‌برداری دینی وارد است، آن است که قبیس برای دینی پاپ‌ها با رایست و روحانیت دین اسلام، قبیس می‌باشد. آنجایی که واقعیت فیک این نکته این است که حکم و واکی به‌دین شناس، باقی‌ها و زبان‌ها، مدیر و مدیر باشد؛ بازگذار و مسئول، قبیس در قبیس‌های دین‌دار که در عصر شیرین و اجرای کامل دستورات دین دارد. آن‌ها به خاطر این است که در دوران حکومت پاپ‌ها، اصل حکومت کلیسیا به نام دین و دینی‌داری، جامعه و مبهم‌را فیرف می‌دانند و نسبت به دین و دین‌داری ناشستند؛ بازگذار تعمیم دادن تجربه حکومت هزاره‌اله کلیسی به مابقی حکومت‌های دینی، نوعی مغاړه، تخریب و قلب واگتی است.

خداشته و آسیب دیدگی که متوجه روبروکد سکولاریسم سیاسی بازگذار است.

آن است که اسلام یک دین سیاسی و دینی است و نمی‌توان تجربه مسیحیت را که
نتیجه‌گیری

مهدی بازگردان به عنوان مدفع و سلسله جنیان گفتمان علمی گرایانه نواندیشی دینی به‌عنوان یکی از نقش‌های اصلی ثبت‌نام و بررسی‌های علمی مطرح است. در تحقیقات و تبادلات فکری سیاسی، بازگردان، به نظر می‌رسد، در نهایت، برای بیشتر علمی قرار داشته و در این کشور تأکید می‌رود که سبک تحول و تداخل آیات دوران مکه به سبب روابط و روابط بین‌المللی یک مسائلی بلند با اسکلت فلزی نیست و باز مناظر با همین رویکرد علمی به قرآن، این سخن را به میان می‌آورد که آیات منفی و لیسته به موضوع معینی مانند خود قرآن در حکم سیستم یا مجموعه‌ای بوده، اجرای مختلف آن ضمن مستقل بودن، مرتبط با هم و مکمل یا مفسر یکدیگر هستند؛ به طوری که درایافت صحیح و کامل طالب و موضوعات با توجه به کل آیات در آن موضوع و ارتباط آنها با هم از یک سو و با هم میکش و جریان‌هایی که به خاطر آنها یا در شان آنها نازل شده است، از سوی دیگر فراهم می‌شود. دعوی‌هایی بازگردان برای ایجاد حقایق دین در قالب‌های فقهی، عرفانی و فلسفی ظهور و بررسی نسبیندازی بررسی و تجربی و علمی را دستمایه و نفعه عربیت تأمین‌های دینی - سیاسی خوشی قرار می‌دهد.

این نواندیشی دینی در بین آن بود تا با وام‌گیری مظاهر همکاری نمودن غرب با فرهنگ اسلامی، به زعو مخوش تخلو و رنسانس در جامعه ایران ایجاد کند و مسائل مورد توجه از در این تبع، اصلاح و انجای دین، بازگشت به قرآن، رابطه علم و دین و دین و دین، دین و سیاست، انسان‌شناسی و مشکلات اجتماعی جامعه ایران و مثل اسلامی به‌وجود آمده در راستای نهایی به غلبه خوشی در باید امر حال به دخالت دین در شنون مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود و نوعی حکومت اسلامی بر پایه اموزه‌های دینی را با عناوین به دستوردهای تصدی علمی - مبانی غرب تبلغ و تشجیع می‌کرد و با در اندازه‌گیری از گذشت خوشی دست شست و همچون روشنفکران سکولار، تن دین از سیاست را مطمع نظر خوشی قرار داد. این تغییرهای بازگردان علل و عوامل متعددی داشت. شاید مهمترین برهانی را که در مورد این تغییر موضوع بتوان اخمک کرد، تاثیر پیکر و توجه گیری زاید و نهایی و بادوام او
از آموزه‌های تمدن غرب باشد. بازرگان هرگز در طول دوران حیات خویش، از ارادتمندی و علاقه نسبت به علوم تجربی و روش‌شناسی اتباع گرایی دست نشست و با اولویت یک‌شیبی به روشکرد علم‌گرایانه، عمل انجام محققای آموزه‌های اصلی و روش دینی را به مسلک برد. اتخاذ همین روشکرد بود که دست‌آورد و کسب و موفقیت نکننده سکولار قرار داد و هر آنچه را سالبان متمایز در وصف و مدعی و نتایج آن داد سخن سر می‌داد به یک‌پاره و آن هم به دست خویش ذخیح کرد و هدف از رساله این‌را نه آباد نمی‌کردند نه که رستگاری اخیری معرقی کرد.

پژوهش است که جریان نواندیشی دینی از نبود پیدایش خویش به دلیل روشکرد النقاض و واحی‌های بی‌وقفه از منابع برون‌دینی دچار تناقض و تناقضی بناشاندن بوده و اخلاقی این نحل فکری نیز به جای برخورداری متفکری و استقلالی با دستگاه فکری جریان متبوع خویش، سرناریو را از سرگذشته آن زده و در رابطه میان علم و عقل با دین، دین را به حاشیه برد و به طور رسمی و عملی روابط سکولاریزم و عرفی شدن را بر تن می‌کند. در این مقاله با توسعه‌گرایی از نظریه گفتمان فوکو و روش تحلیل محترمی که بر این امر تأکید کرد که بازرگان در دوره‌های تاریخ معاصر ایران، مکتب‌های خود را به زور طبع آراسته که گفتمان غالب در جهان رهایت پوزیشیستی بود و بازرگان متأثر از این رهایت، تلفسف می‌کرد و قلم بر کاغذ می‌چرخانده، همچنین این نکته مورد ملاحظه قرار گرفت که دوره دوم فکری بازرگان متأثر از فیلزیسم هوش‌مدور بیشتر می‌شود، ناشی از فرهنگی انسان‌شناسی و پایان فرامادی‌ها، این متفکر نواندیش را به جایی می‌کشاند که تاکی دل‌کشی از دین را به نقد می‌کشد.
پی نوشته‌ها

1. مارا میرلی، کشمی، ترجمه: فتحی محمودی، (زنجان: هزاره سوم، 1382)، ص 31.
2. نظام بهرامی کمیل، نظریه رسانه‌ها، جامعه‌شناسی ارتباطات، (تهران: کویر، 1388)، ص 126.
3. کیت نش، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه: محمدتقی دلفروز، (تهران: کویر، 1380)، ص 71.
4. نظام بهرامی کمیل، پیشین، ص 208.
5. مرتضی معادی، روش کیفی در علوم اجتماعی و فلسفه فلسفه روش‌شناسی علوم انسانی، نایبان، 1385، شماره 27.
6. احمد محمودی، روش تحقیق کیفی: گیره روش‌های جدید، (تهران: جامعه‌شناسی، 1346)، ص 109.
7. عباس‌الحسن خردوند، سیاست‌شناسی دین، روش‌های معاصر، (تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ادبیات، اسلامی، 1389).
8. مجید محمودی، دین‌شناسی معاصر، (تهران: قطره، 1378).
9. فرخوزد جهانپیش، اسلام، دموکراسی و نوکلیه دینی در ایران، (تهران: کام نو، 1383).
10. مسعود پدرام، روش‌هایکن دینی و مدرنیت در ایران پس از انقلاب، (تهران: کام نو، 1383)، ص 262.
11. مجید محمودی، پیشین، ص 191.
12. مسعود پدرام، پیشین، ص 111.
14. مجید محمودی، پیشین، ص 262.
15. فردین قربانی، بازاری اندیشه دینی در ایران، (تهران: قصاید، 1382)، ص 198.
16. مهدی بازگان، بخش و/یا پنومربی، (تهران: کلم، 1323).
17. مهدی بازگان، مذهب در ایران، (تهران: سهامه انتشار، 1321)، ص 123-124.
18. مهدی بازگان، بخش و/یا پنومربی، (تهران: کلم، 1323)، ص 77.
19. مهدی بازگان، پیشین، ص 93.
263

25 میبد صادق حقیقت، روش‌پژوهی علوم سیاسی (قم: دانشگاه مقدس، 1385)، ص. 199.

26 میبد حسین سیفزاده، مدل‌پیمایی و نظریه‌های جدید در علم سیاست (تهران: دادگستر، 1379)، ص. 255.

27 مهدی باژرگان، ذره بر انتهای (تهران: نشر علمی- فرهنگی، 1324)، ص. 16.

28 مهدی باژرگان، مقدمه در اروپا (تهران: سهامی انتشار، 1321)، ص. 20.

29 مهدی باژرگان، ذره بر انتهای (تهران: نشر علمی- فرهنگی، 1324)، ص. 122-120.

30 مهدی باژرگان، پیشین، ص. 50.

31 مهدی باژرگان، تورجی، طبیعت، کتاب (تهران: سهامی انتشار، 1356)، ص. 8.

32 مهدی باژرگان، ذره بر انتهای، پیشین، ص. 26-20.

33 همان، ص. 22.

34 همان، ص. 61.

35 غلامحسین توسلی، پیشین، ص. 24.

36 مهدی باژرگان، بانی و باران در غرب (تهران: سهامی انتشار، 1324)، ص. 236.

37 مهدی باژرگان، تورجی، طبیعت و تکامل، پیشین، ص. 56-56.

38 مهدی باژرگان، از بارگذشته به غربان (تهران: قلم، 1362). ص. 125-129.

39 مهدی باژرگان، خودجوشی (تهران: قلم، 1340)، ص. 233.

40 مهدی باژرگان، بارگذشت به قرآن، پیشین، ص. 55.

41 نقی رحمانی، روش‌پژوهان مذهبی و کل مدرن (تهران: قلم، 1382)، ص. 103.

42 مرتعی مطهری، اصول فلسفه و روش‌های تعلیمی (تهران: نشر صدر، 1389)، ص. 35-25.

43 عبدالحسین خسروی، آشنایی با شخصیت و زندگی معاصر، (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ادبیات).

اسلامی، 1389)، ص. 159.

44 نقی رحمانی، پیشین، ص. 103.

45 مهدی باژرگان، ذره بر انتهای، پیشین، ص. 124.

46 مهدی باژرگان، پیشین، ص. 265.

47 مهدی باژرگان، چهره مقاوم (تهران: سهامی انتشار، 1333)، ص. 377.

48 مهدی باژرگان، ذره بر انتهای، پیشین، ص. 341.

49 مهدی باژرگان، پیشین، ص. 203-203.

50 عبدالحسین خسروی، پیشین، ص. 146.

51 مهدی باژرگان، راه طی کردن، پیشین، ص. 188.

52 مهدی باژرگان، بارگذشت به قرآن، پیشین، ص. 95-95.
۸۷. مهیدی پازروگان، راه طی شده، پیشین، ص ۸۰.
۸۶. مهیدی پازروگان، ذره بین آنها، پیشین، ص ۱۴۶.
۸۵. عباس کاظمی، جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران، (تهران: نشر طرح نو، ۱۳۸۳)، ص ۱۲۴.
۸۴. عبدالحسین خسروی‌پارسا، پیشین، ص ۱۸۷.
۸۳. مهیدی پازروگان، پارک‌هایی در اسلام، (تهران: سهای انتشار، ۱۳۸۸)، ص ۷.
۸۲. مهیدی پازروگان، آمریکا تعلیم دینی، (تهران: سهای انتشار، ۱۳۸۸)، صص ۲۳۲-۲۳۱.
۸۱. حسن کامران، تکیه‌دانان در پهنه تفقه، (قم: نشر معرفت، ۱۳۸۲)، صص ۲۵۰-۲۴۹.
۸۰. حسن كامران، پیشین، ص ۲۵۱.
۷۹. نفی رحمانی، پیشین، ص ۱۰۱.
۷۸. عبدالحسین خسروی‌پارسا، آسیاب‌شناسی دینی زرتشتی معاصر، (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ادبیات اسلامی، ۱۳۸۹)، صص ۱۷۰.
۷۷. مقصود فرستوها، ادغام گرایی روشنفکری دینی در ایران، مهرآهنگ، دی ۱۳۸۹، سال ۱.
۷۶. مهیدی پازروگان، آخرت، خدا، هدف بهت انسان، پیشین، ص ۸۰.
۷۵. فردین قریشی، پیشین، صص ۸۰-۸۵.
۷۴. عبدالحسین خسروی‌پارسا، آسیاب‌شناسی دینی زرتشتی معاصر، پیشین، صص ۱۴۲.
۷۳. صادق زیباکلام، دو هزار و تری تاریخ، ماهیتی مهرآهنگ، دی ۱۳۸۹، سال اول.
۷۲. مهیدی پازروگان، آخرت، خدا، هدف بهت انسان، پیشین، صص ۹۷-۸۹.
۷۱. عبدالحسین خسروی‌پارسا، آسیاب‌شناسی دینی زرتشتی معاصر، پیشین، صص ۱۳۲.
۷۰. جلال آلبومه، در خویست و خیابان‌ها تروشکفکان، (تهران: پهلوی، ۱۳۵۳)، ص ۷۷.
۶۹. محمدعلی حسینی، اسلام سیاسی در ایران، (قم: دانشگاه مقدس، ۱۳۸۵)، ص ۲۰۸.
۶۸. آماد خمینی، حکومت اسلامی، (تهران: مؤسسه نشر آثار آماد خمینی، ۱۳۷۲)، ص ۴۶.